صداقت تابرکی داد

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۸۱۶۰

رده‌بندی دیویی: ۱۳۵۰ الف ۵۱۴ ع ۲۹۷/۶۳۶ مرجع ☐

سرشناسه: عرب باغی، حسین ۱۲۵۶ - ۱۳۲۹.

عنوان قراردادی:

عنوان: اساس الایمان در وجوب حجاب بر زنان

شرح پدیدآور:

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: [تبریز] ناشر: [بی‌نا] تاریخ نشر: ۱۳۵۰ ق

صفحه شمار: ۳۲ ص مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱ × ۱۷ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی ☑ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐

واقف: حاج مختار معینی تاریخ ثبت: مهر ۱۳۱۴

یادداشتها:

موضوع(ها): ۱. حجاب

شناسه(های) افزوده: الف. معینی، مختار، واقف.

ب. عنوان.

فهرستنگار: اسدزاده تاریخ فهرستنگاری: مرداد ۸۸

وقفی آقای حاج مختار معلمی کتابخانه مبارکه بتاریخ ۱۲ مهر ۱۳۱۴

۳۶۷۳
مصر

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

۱۴/۷/۱۳۰۰
اساس الایمان
۲۰

اسید زدائی شد
تاریخ ۷/۱۲/۲۰

اسید زدائی شد
تاریخ ۱۱/۸/۶۷

۲۰۹

۲۹۷/۶۳۶
الف ۴۵۱۳

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: اساس الایمان — فارسی

مصنف / مؤلف: آقا سید حسین عرب باغی

خطی / چاپی: سنگی نسخ طبع تبریز

سال طبع یا تحریر: ۱۳۵۰ ق — عدد اوراق: ۱۷

جزء کتب: قصر — شماره: ۲۰۹

شماره عمومی: ۱۶۴۶ — شماره قبض: ۳۶۷۳

واقف: حج مختار — تاریخ وقف: مهر ۱۳۱۴

طول: ۲۱ — عرض: ۱۷ — قفسه: ۸

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

رساله شریفه اساس
الایمان در وجوب حجاب بر
زنان از تالیفات حضرت مستطاب
حجة الاسلام و المسلمین عماد الملة و الدین
آیة الله فی العالمین آقای آقا سید حسین
مجتهد عرب باغی مد ظله العالی که با آیات
شریفه و اخبار صحیحه و ادله عقلیه و
براهین حسیه وجوب حجاب و مصالح
او را اثبات و بیان فرموده اند
فجزاه الله عن الاسلام
خیر الجزاء

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی وفقنی لتألیف اساس الایمان فی بیان وجوب الحجاب علی النسوان کما نزل به آیات القرآن ونطق به رسوله بأوضح البیان واوصیاء رسوله تبیانا لأمثل الازمان صلی الله علیه وعلیهم بعدد ادوار الزمان واختلاف الملوان و اللعنة الدائمة علی من انکر آیاته واتبع شهواته واستحوذ علیهم الشیطان وعلی اخوانه الذین یلقون الشبهات لیضلوا بها عباد الله عن سبیل الله وما یضلون الا انفسهم وهم کافرون   وبعد چنین میگوید احقر فانی حسین بن نصر الله بن صادق الموسوی عرب باغی که وجوب حجاب را در رساله اساس الاسلام و قانون الاسلام و سیاسة الاسلام با آیات شریفه و اخبار ائمه که در نیباب وارد ند بیان نموده ام و همه طبع و نشر شده است و با وجود این جمعی از اخلاء و اخوان خواهش کردند که در خصوص یکرساله مستقل و مختصری نوشته شود و التماس ایشانرا قبول و شروع بآن مینمایم و بالله التوفیق   بدانکه احکام الهیه و قوانین اسلامیه تماما بر روی اساس محکم و مصالح بنی ادم گذاشته شده چنانکه در رساله سیاسة الاسلام و قانون الاسلام بیان آن در ضمن هر یک از احکام شده است هم چنین حجاب که یکی از دعایم دین و احکام شرع مبین است متضمن حکم بسیار و مصالح

کتابخانه آستانه قدس

بیشمار است چنانکه در خاتمه این رساله ببعضی از آنها اشاره خواهد شد • در وجوب حجاب چندین آیه در کتاب و چندین حدیث از ائمه اطهار وارد شده است آیه اول در سوره نور خداوند تبارک و تعالی فرموده وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ تا آنجا که میفرماید وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَی اللَّهِ جَمِیعًا أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ مضمون آیات این است که البته باید فرو کنند زنان آنچه را که بآن سر را میپوشند بر گریبانها و سینه های خودشان و آشکار نکنند زینت خودشانرا از قبیل لباس و سایر اسباب هر چه باشد همینکه اسم زینت بر او صادق آید مخفی داشتن آن لازمست بر زنان مگر از برای شوهران خودشان و از برای پدران و یا پدرهای شوهران و یا پسرهای شوهران و یا برادران و پسران برادران و یا پسران خواهران و یا بر زنان مؤمنین و یا بر کنیزان خودشان چه از اهل دین خودشان باشند و یا از دیگران و یا بر تابع شوندگان خودشان که سائل بکفند و محتاج بر زن نیستند از جهة پیری و ضعف بنیه از مردان و از اطفالیکه بحد رشد و تمیز نرسیده اند پس همه زنان از همه مردان باید مقنعه و روپوش داشته باشند مگر از این اشخاص که ذکر شد و البته و باید زنان پاهای خودشان را بر زمین نزنند برای معلوم کردن زینتهای باطنی خودشان از خلخال و دستبند و گردن بند و غیر از اینها تا اینکه هیچ مردی نامحرم از ایشان حظ و لذتی نبرد آنگاه میفرماید بطرف دین خداوند و امراو برگردید تماما آنکسانیکه بخداوند و رسول او گرویده اید شاید که شما رستگار شوید از بازخواست الهی در روز محشر بجهة چشم پوشیدن از نامحرم که عملش باعث دوزخی شدن شما شهوتهای حرام شما است وچون زنان در حجاب شوند و چشمان بنامحرم نخورد و مردان نیز آنهارا نبینند در دلشان میل بحرام تولید

نمیکنند وخداوند درین آیهٔ شریفه اولاً با تاکید لام امر فرموده بر پوشیدن
مقنعه بر زنان و از واضحات است که مقنعه برای پوشیدن سر و صورت و سینه البته
و اگر بنا باشد که سر و صورت انها باز باشد مقنعه لازم نمیشود پس وجوب مقنعه
از جهة پوشیدن انهاست یعنی سر و صورت و گردن و سینهٔ خودشان را و در ثانی از زنان
نهی فرموده از آشکار نمودن زینت از برای نامحرمان و اجازه داده که زینت خود را فقط
برای محرمان خودشان اظهار بکنند پس زیادتر ازین امر و نهی در وجوب مقنعه
و پوشیدن سر و صورت و زینت از نامحرم و نپوشیدن از نامحرم چه خواهد شد نه تنها
برای عاقل و اشخاص دانا بلکه بهر جاهل نادان و اطفال و نسوان حکم وجوب درین
آیات واضح و روشن است مگر بمردمان فرومایه و از خرد بیگانه .

حجاب

وجوب حجاب در آیه دوم

آیه دوم ایضاً در سورهٔ نور فرموده وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا
فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ
لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ یعنی آن زنانیکه از نکاح کردن و بشوهر رفتن نا امید شده اند
از جهة پیری پس از برای انها گناه نیست اینکه چادر و سرپوش خودشان را بنهند
بشرطیکه تزیین و اظهار زینت نکنند و طلب عفت نمایند که خیر انها هم در عفت است
زیرا که عفت و حیا از برای پیره زنان نیز خوبتر است تا چه رسد بزنان جوان و خداوند
سبحان آنها را که با نامحرمان گفتگو میکنند در اثر است بمقصود ایشان که از جهة کلام
غرض گفتگو میکنند و بخود زینت و آرایش مینمایند و مراد ازین ثیاب که پیره زنان را
جایز میفرماید که نپوشند همان چادر و سرانداز است و یا مقنعه است چنانکه در اخبار
صحیحه بیان آن شده است از انجمله در کافی بسند صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده است
که از حضرت صادق ع سؤال نمودم ازین آیه که کدام ثیابست که از برای پیره زنان جایز است
که انرا نپوشند فرمود جلباب که چادر و سرانداز باشد و در حدیث صحیح حلبی از
آنحضرت روایت کرده که مراد از ثیاب درین آیه خمار و جلبابست که مقنعه و سرانداز است

شئونات

و در حدیث صحیح حریز از آنحضرت فرمود که مراد جلباب و خمار است زمانیکه زنان
پیر بوده باشند پس ازین آیهٔ شریفه واضح شد که فقط از برای پیره زنان
جایز است که چادر و سرانداز نپوشند نه از برای زنهای جوان و این مطلب
از برای صبیان و نسوان معلوم است تا چه رسد بمردمان عاقل و مرد کامل
و شخص با علم و فضل و با وجود این آیه در قرآن اگر کسی بگوید که چادر و سر
انداز برای زنان جوان لازم نیست پس آنکس از جاهلان و نادانان و
بلکه از احمقان و خارج از زمرهٔ انسان خواهد شد و منکر قرآن و انکار
کنندهٔ احادیث صحیحه محسوب خواهد گردید .

وجوب حجاب در آیه سیم

آیه سیم در سورهٔ احزاب فرموده وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ
مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ تا اینکه فرمود لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ
فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ الی قوله تع وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا یعنی زمانیکه از زنان نامحرم یک چیزی سؤال میکنید
از اشیاء خانه و غیر آنها پس شما سؤال بکنید از ایشان از پس پرده و این
گونه سؤال شما یعنی از پس پرده پاکیزه تر است از برای قلب شما و قلب آنان
زیرا که از ریبه و تهمت آسوده و خواطر جمع و از فتنه و فساد بری و دور تر میشوید
و بعد فرمود که گناه نیست برای زنها که بدون حجاب گفتگو نمایند و خودشانرا
ظاهر بکنند برای پدران و پسران و برادران و خواهران خودشان و بر زنان اهل
دین خودشان و بر کنیزان تا اینکه فرمود ایضاً یعنی زنان که صاحب ایمانید در بحکم
پوشیدن سر و صورت و زینت از نامحرمان بترسید از خدا از اینکه مخالفت کنید
او را بدرستیکه خداوند بر همه چیزها از افعال و اقوال و اعمال شما حاضر و ناظر است
و درین آیه و در آیهٔ اول خداوند تع عم و خال را ذکر نفرموده و حال آنکه ایشان نیز
محرمند زیرا که نکاح در بین عم و دختر برادر و خال و دختر خواهر جایز نیست چنانکه فرموده

حرمت

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ اُمَّهاتُكُمْ تااینکه فرموده وَبَناتُ الْاَخِ وَبَناتُ الْاُخْتِ وعدم جواز نکاح
در اقربای دلیل محرمیت است (۱) ودرین ایه خداوند اولا تکلیف مردان را قرار داده
که سؤال وگفتگوی ایشان بازنان نامحرم از پس پرده باشد ودر ثانی تکلیف زنانرا
تعیین فرموده که ایشان را گناهی نیست در اینکه بدون حجاب در نزد محرمان خودشان
بوده باشند وثالثاً قدغن فرموده باینکه البته باید زنان درخصوص احتجاب از نامحرمان
مواظبت نمایند واز مخالفت خداوند در نحکم پرهیز نمایند واذین ایهٔ شریفه واضح است
وجوب حجاب بر زنان ولزوم محفوظ شدن انها از نامحرمان زیرا که عدم وجوب
حجابرا از برای ایشان منحصر فرموده بر محرمان خودشان نه از برای دیگران ودر اخر
ایه امر فرموده بر تقوی کردن واز خداوند ترسیدن وفرمود که خداوند بر همهٔ اعمال
وافعال بندکان اعم از مردان وزنان ناظر وشاهد است پس بالاتر ازین حکم در
وجوب حجاب چه باید بشود وزیادتر ازین تاکیدات دیگر چه خواهد شد از برای
دانایان وعاقلان درحالتیکه وجوب حجاب درین ایه چنان صریحست که اطفال و
زنان وجوب انرا علماً ویقیناً میفهمند تا چه رسد بر عقلاء وکمّلین وبرکسانیکه
مدّعی احساساتند وخودشانرا انسان وصاحب فهم وادراك واستنباط میدانند

ایهٔ چهارم در حجاب

ایهٔ چهارم ایضاً در سورهٔ احزاب میفرماید يا اَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِاَزْواجِكَ وَبَناتِكَ
وَنِساءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ ذالِكَ اَدْنى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلا
يُؤْذَيْنَ وَكانَ اللهُ غَفُوراً رَحِيماً يعنی بکوای پیغمبرما بر زنان ودختران خودت
وبر زنان سایر مؤمنان که نزدیك سازند وفرو گذارند بر خودشان جلباب
وسراندازو چادرهای خودشانرا در وقت بیرون شدن از خانه که مانع از دیدن
نامحرم باشد واین برای انها نزدیکتر است باینکه شناخته شوند بعفت وعصمت پس
اذیت کرده نشوند از اراذل واوباش باینجهة ومردمان بدفطرت از ایشان طلب زنا

نکنند

نکنند وبدانند که ایشان زنان باعفت وعصمتند وچون چنین کردند انوقت
خداوند عالم از کناهان کذشتهٔ انها درینباب عفو واغماض میفرماید وخداوند
رحم کننده است بر ایشان که مصلحت انهارا بیان میکند که وجوب حجاب و
جلباب باشد برای انها تا اینکه محفوظ باشند از اراذل واز اذیت مردمان
شریر وبدفطرت وبدکو ودرین ایهٔ شریفه خداوند امر فرموده بر پوشیدن
جلباب وکشیدن ان بر روی وسینه مانند نقاب وحکمت وسیاست انرا بیان
نموده چنانکه ذکر شد واز کذشته ها عفو کرده ودر نحکم مهربانی خود را برای زنان
بیان کرده چنانکه بر نماز امر کرده وحکمت انرا بیان نموده که نماز باز میدارد
شخص را از فحشاء ومنکر وهمچنین امر فرموده بروزه وحکمت انرا نیز بیان نموده
که روزه برای شما خیر است وَاَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ پس امر درین ایه مثل
امر بر نماز وروزه از برای وجوب ولزومست واین مطلب از واضحات است
نزد جمیع عقلاء واهل لسان وعوام عربها فکیف بر علماء وفضلاء واز برای
کسیکه ادّعای فضل وکمال وعلم وادب میکنند واکر این امر که درخصوص
جلباب ونقابست افادهٔ وجوب ننماید پس امر در صوم وصلوة نیز افادهٔ
وجوب نخواهد کرد نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الْجَهْلِ وَالْغَوايَةِ .

ایهٔ پنجم در حجاب

ایهٔ پنجم در سورهٔ نور میفرماید يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ
اَيْمانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلوةِ الْفَجْرِ وَحِينَ
تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلوةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
وَلا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ تااینکه فرماید وَاِذا
بَلَغَ الْاَطْفالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذالِكَ
يُبَيِّنُ لَكُمْ آياتِهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ يعنی ای انکسانیکه ایمان دارید باید غلام
وکنیز واطفال غیر بالغ شما در هر شبانه روز سه مرتبه از شما اذن بکیرند

دروقت

در وقت داخل شدن ایشان بر منزل شما اوّل قبل از نماز صبح دویم در وقت
ظهر که لباس خودتانرا بجهة قیلوله از تن بیرون میکنید وسیم بعد از نماز عشاء
که وقت خواب وکندن لباس است واین سه وقت چونکه موقع راحت وزمان
بیرون آوردن لباس کار و داخلشدن بر خصوابت وبعد ازین سه وقت دیگر
از برای شما وایشان عیب ندارد که بعض از شما وایشان بمنزل یکدیگر داخل شوید
وهمچنین خداوند آیات احکام خودرا برای شما بیان میکند تا اینکه جاهل نباشید
وخداوند عالم است بمصالح شما و در حکم قرار دادن آنهارا ملاحظه میفرماید
وبدون علت وحکمت ومصلحت حکم برای شما قرار نمیدهد واین اذن خواستن
از شما در سه وقت مخصوص غلام وکنیز واطفال شما بود واما زمانیکه اطفال بحد
بلوغ رسند پس البتّة باید ایشان در هر وقت داخلشدن بمنزل شما از شما اذن بگیرند
چنانکه قبل از ایشان اشخاص بالغ اذن گرفته اند وبدون اذن باید بمنزل کسی داخل
نباشند وهمچنین بیان میکند خداوند آیات خودرا از برای مردمان وخداوند در
بیان احکام ومصالح بندگان دانا وحکیم است وبدون مصلحت ومنفعت حکم نمیکند
پس درین آیهٔ شریفه اوّلاً فرمود که غلام وکنیز واطفال غیر بالغ در شبانه روز
سه مرتبه اذن بگیرند زانوقتها اوقات بیرون کردن البسه کار کردن واستراحت وخواب
کردن بود یعنی در سایر اوقات لازم نیست که اینها اذن بگیرند واما با اطفال بالغ
تعیین وقت نکرده وبلکه فرمود باید همیشه با اذن واجازه داخل شوند وهیچ وقت
بدون اذن واجازه بمنزل کسی ولو آنکس محرم باشد نیز نباید داخل بشود وعلت
انحکم همان دانستن مردمانست ورود مردی را بمنزل آنها تا اینکه اگر نامحرم باشد زنان
ایشان از برای خودشان تهیّهٔ چادر ومقنعه بکنند واز نامحرم خودشانرا حفظ
بکنند واگر محرم باشد نیز برای ورود آن مرد حالت خودمانرا تغییر بدهند واز بجهة
در آخر آیه میفرماید وَاللهُ عَلیمٌ حَکیمٌ یعنی انحکم از روی علم وحکمت است و

واگرچه درین آیه بصراحت حکم بحجاب وپوشیدن مقنعه نکرده لکن باکنایه حکم
آن معلومست که مقصود عمده پوشیدن زنانست خودشانرا از نامحرمان وکنایه در نظر
عاقلان ابلغ است از تصریح واگر پوشیدن روی بر زنان واجب نبود چرا بر
اطفال بعد از بلوغ واجب میشد اذن گرفتن از صاحب منزل در وقت داخل شدن
وچرا فرق میگذاشت خداوند در بین اطفال بالغ وغیر بالغ معلومست که علت
فرق همانست که زنان از نامحرمان خودرا مستور نمایند ومثل این آیه است آیهٔ
دیگر که در سورهٔ نور میفرماید یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتّی
تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلی اَهْلِها ذالِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ یعنی ای آنکسانیکه
ایمان دارید بخانهای مردمان داخل نشوید تا اینکه استعلام وطلب اذن واجازه
بکنید از اهل آنخانه هر که باشد از صغیر وکبیر ومرد وزن واین داخلشدن شما
با اذن ایشان برای شما خیر است چنانچه نماز وروزه برای شما خیر است وانحکم برای
شما کردم تا اینکه شما متذکر شوید وپند بگیرید وبدون رخصت واجازه بخانه و
منزل کسی داخل نشوید شاید عیال او بی معجر نشسته وشاید که خود او بکاری
مشغولست که دیدن شما او را در آنکار او را مکروهست لاجرم درین آیه نیز بر
حجاب ومستور گشتن زنان از مردان کنایه واشاره است وبلکه مقصود
عمده آنست که مردان بزنان غفلةً وارد نشوند .

وبعد از داخل شدن سلام بکنید بر اهل آنخانه

در حجاب آیهٔ ششم

آیهٔ ششم در سورهٔ نور فرموده قُلْ لِلْمُؤْمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَیَحْفَظُوا
فُرُوجَهُمْ ذالِکَ اَزْکی لَهُمْ اِنَّ اللهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ
اَبْصارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ اِلّا ما ظَهَرَ مِنْها یعنی ای پیغمبر
ما بگو بر آنکسانیکه ایمان دارند که چشم خودشانرا از نامحرمان بپوشند وبر نامحرم
نظر نکنند وعورت خودرا از نظر غیر حفظ نمایند که مبادا غیر زوجه بر عورتین ایشان
نظر تواند بکند واین پوشیدن چشم از نامحرم وحفظ عورتین از مردمان پاکیزه تراست

از برای

از برای مردان بدرستیکه خداوند خبردار است بآنچه میکنند از فعل خوب و کار نامرغوب و درین امر که بشما شده خداوند را حاضر و ناظر اعمال خودتان بدانید و ای پیغمبر ما باز بزنان صاحب ایمان بگو که ایشان نیز چشمهای خودشان را از نامحرمان بپوشند و فرجهای خودشانرا از نظر غیر زوج حفظ نمایند و علاوه زنان مؤمنه باید زینت خودشان را از گوشواره و دست بند و گردن بند و شانه و آرایش و لباس زینت و هرچه بر آن زینت کردن گفته میشود ظاهر نکنند بر نامحرمان مگر آن زینت که در حال قیام بر حوایج خود خود بخود و بدون قصد او ظاهر میگردد که همین قدر از ایشان معفو است پس خداوند درین آیه بمردان و زنان امر فرموده بر پوشیدن چشم از نامحرمان و حفظ کردن عورتین از نظر غیر زوج و زوجه و نهی فرموده زنان را از اظهار کردن زینت خودشان برای نامحرمان و زمانیکه زن جمیع زینت خود را از لباس و غیره ظاهر نکرد و کسی از نامحرمان زینتهای او را ندید البته باید او را جلباب و سرانداز و مقنعه باشد و اگرنه زینت او تماماً ظاهر و نمایان خواهد شد و علاوه برین سر و صورت او و زینتهای آنها نیز ظاهر خواهد شد و این از دو شق خالی نیست اگر گوئیم تمامی آنها که از زینت زنان در ینفرض ظاهر میشود معفو و داخل در مضمون اِلّا ما ظَهَرَ مِنها هستند درینصورت بر وَلا یُبدِینَ زینَتَهُنَّ محل نمی ماند زیرا که زینتی نمانده الا آنکه در ینفرض خود بخود ظاهر میشود و کدام زینت مانده که او را باید ظاهر نکند و چون این فرض باطل است لابد باید بگوئیم که تمامی زینتهای سر و صورت گردن و دوش بموجب آیه واجب که پوشیده گردد مگر آن زینتی که قابل پوشیدن نیست مثل ظواهر جلباب و جوراب و کفش و حجم بدن و بلندی قامت و امثال ذالك درینصورت هم آیه وَلا یُبدِینَ محل و موقع خود را مییابد و هم آیه اِلّا ما ظَهَرَ مِنها در جای خود واقع میشود پس بالاتر ازین تاکید و بلیغتر ازین بیان[1] که درین آیه شریفه است چه خواهد

(۱) در حجاب زنان

شد و در سبب نزول این آیه صاحب کافی بسند صحیح خود از سعد اسکاف از حضرت باقر ع روایت کرده که حاصل مضمون آن این است که یکنفر جوان از انصار بر یکنفر زن نظر کرد و چشم خود را از او بر نداشت و درین اثنا صورت آنجوان در دیوار بر استخوان برخورده و صورت او خون آلود شد و بحضور حضرت رسول الله ص آمد و آنحضرت ازین قضیه خبردار شد پس آیه قُل لِلمُؤمِنِینَ نازل و نظر کردن بر نامحرم حرام شد .

و اما احادیث در وجوب مقنعه برای زنان پس در کافی بسند صحیح خود از محمد بن مسلم از حضرت باقر ع روایت کرده که فرمود ابداً صلاحیت ندارد از برای دختری که حیض دیده باشد مگر مقنعه داشته باشد الا آنکه اصلاً نیافته باشد مقنعه را و ایضاً از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده که سؤال کردم از حضرت کاظم ع از دختریکه غیر بالغه است که چه وقت لازم است که سر خود را از نامحرمان بپوشاند و در چه زمان واجب میشود که مقنعه و سرپوش داشته باشد در نماز فرمود وقتیکه حیض دیده باشد و اینحدیث را مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع از احمد بن ادریس روایت کرده و در فقیه بسند صحیح از ابی نصر از حضرت رضا ع روایت کرده که فرمود وا دار کرده میشود[1] بر نماز و بر زنان لازم نیست پوشیدن موهای خودشان از آن طفل تا اینکه او بحد بلوغ برسد و در کتاب قرب الاسناد با سند صحیح از بزنطی روایت کرده که حضرت رضا ع فرمود زنان سر خودشانرا از طفل نمیپوشند تا اینکه طفل بالغ شود و در کتاب مستدرك الوسائل از کتاب جعفریات روایت کرده از حضرت صادق ع از پدران خودش که حضرت رسول الله ص فرموده که خداوند نماز دختر را قبول نمیکند در وقتیکه بالغه شود و مقنعه نپوشد .

و اما احادیث حرام بودن نظر بر نامحرم پس[2] در فقیه و محاسن بسند صحیح از عقبه روایت کرده اند که حضرت صادق ع فرمود نظر کردن بر نامحرم یک تیر زهرآلود است

(۱) طفل هفت ساله
(۲) در کافی

از تیرهای ابلیس و چه بسیار نظرها که سبب زیادتی حسرت شده است و در کافی از ابن
ابی نجران از حضرت صادقؑ و از ابی جمیله از حضرت باقرؑ روایت کرده که فرموده اند
هیچکس نمیشود مگر اینکه او بهره‌ای از زنا میرسد و زنای چشم نظر کردنست بنامحرم
و زنای دهان بوسیدن نامحرمست و زنای دست مس کردن نامحرمست خواه
فرج او تصدیق کند اینها را و یا تکذیب نماید و مایل بباشد بزنا کردن و در
فقیه بسند صحیح خود از هشام بن سالم از عقبه روایت کرده که حضرت صادقؑ
فرمود نظر کردن بنامحرم تیر زهرآلود است از تیرهای ابلیس و هر که از آن ترک
نماید از جهة رضای خداوند نه از جهة غیر او پس خداوند امنیت از عذاب و
ایمان را باو عطا میفرماید و لذت ایمان را دریابد و در فقیه و محاسن از کاهلی
و از زافر روایت کرده اند که حضرت صادقؑ فرمود نظر بعد از نظر باعث شهوت
میشود در باطن شخص و آن شهوت کفایت میکند برای فتنه او و در فقیه از
حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود نظر اول برای تو عیب نمیکند زیرا باعمد
نشده و نظر دویم برضرر تو است و در نظر سیم هلاکتست و در علل الشرایع و
عیون الاخبار از محمد بن سنان روایت کرده که حضرت رضاؑ نوشت باو که خداوند
حرام کرده نظر کردن را بر موهای زنان شوهردار و غیر ایشان از زنان زیرا که در
نظر کردن هیجان شهوتست و در هیجان شهوت میلست بر آنچه حلال نیست
و تحمل بر آن نمیتوان نمود و همچنین حرامست نظر کردن بر آنچه مثل موی او است
در باعث شدن بر هیجان شهوت مگر نظر کردن بر عجوزها که امید نکاح ندارند
پس برای آنها جایز است که جلباب و سرانداز نداشته باشند و عیب ندارد
نظر کردن بر موهای ایشان و در عقاب الاعمال بسند صحیح خود روایت کرده
که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود هر که مطلع شود بخانهٔ کسی و نظر نماید بر زن او
و یا بر موی و چیزی از بدن آن زن پس حقست بر خداوند که نظر کننده را با منافقین

بر آتش دوزخ داخل بکند و او از دنیا نمیرود تا اینکه خداوند او را رسوا میکند
و عیوبات او را بمردمان آشکار میکند در آخرت و هر که چشم خود را از زن نامحرم
پر کند خداوند چشم او را از آتش دوزخ پر کند و از مسمار آتش بر چشم او زده
میشود و بعد از حساب مردمان امر میکند که او را بدوزخ اندازند و در فقیه در
حدیث صحیح مناهی روایت کرده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده هر که چشم خود را
از حرام پر نماید خداوند در قیامت چشم او را از آتش دوزخ پر میکند مگر
اینکه توبه بکند و از این عمل برگردد و در قرب الاسناد از ابی نصر روایت کرده
که از حضرت رضاؑ سؤال کردم آیا حلالست نظر کردن شخص بموی خواهر زن خود
فرمود حلال نیست مگر اینکه عجوزه باشد عرض کردم خواهر زن و غیر او مساوی است
فرمود بلی فرق ندارد گفتم از عجوزه چه حلالست که نظر نمایم بآن فرمود موی و بازوهای
او و در کافی بسند صحیح خود از احمد بن ابی عبدالله از حضرت صادقؑ روایت کرده
که ابن ام مکتوم از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اذن خواست که بحضور آنحضرت داخل شود
در نزد آنحضرت عایشه و حفصه بودند پس بآنها فرمود برخیزید و داخل خانه بشوید عرض
کردند که این مرد نابیناست فرمود اگر او شما را نبیند شما که او را میبینید و در عقاب
الاعمال بسند صحیح خود روایت کرده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود غضب خداوند شدید
شده بزن شوهرداری که چشم خود را پر کند از نظر نمودن بغیر شوهر خود و بغیر محرم
خودش و اگر آن زن چنین بکند خداوند جمیع اعمال خیر او را باطل و بدون اجر قرار
میدهد و اگر آن زن فراش شوهر خود را بغیر او بدهد حق میشود بخداوند که او را
بآتش دوزخ بسوزاند بعد از عذاب کردن بر او در قبرش و در کتاب مکارم الاخلاق
مرحوم طبرسی از ام سلمه روایت کرده که او و از زنان آنحضرت میمونه در حضور بودند
ابن ام مکتوم آمد و این وقت آیهٔ حجاب نازل شده بود آنحضرت فرمود بما که در حجاب شوید
عرض کردیم که او نابینا است فرمود شما که بینا هستید و او را می‌بینید و ایضا

وانیقطعیه بعد
از نازل شدن
آیه حجاب بود

در آنکتاب روایت کرده که حضرت فاطمه فرمود خوبست برای زنان که ایشان مردانرا
نبینند و ایشان نیز مردانرا ندیده باشند پس حضرت رسول الله فرمود فاطمه از
منست و در کتب اربعه با اسناد صحیحه از ابن اسحق و ابن ابی عمیر روایت کرده اند
که از حضرت کاظم سؤال کردم که از برای شخص خادم خصی میشود و آنخادم بر زنان
آنشخص آب میدهد و موی ایشانرا می بیند چطور است فرمود نمیشود و در مکارم
الاخلاق روایت کرده که آنحضرت فرمود زن نباید در نزد خادم خصی بدون سر انداز
بوده باشد و در مستدرک از جامع الاخبار از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده
که فرمود هر که نظر خود را از نامحرمان باز ندارد قلب خود را بزحمت انداز و هر که
نظر کردن او زیادتر باشد حسرت او دائمی شود و از حضرت رسول الله روایت کرده
که از برای هر عضو بنی آدم حظ زنا است و زنا چشم نظر کردنست بنامحرم و زنا زبان
گفتگو است با نامحرم و زنا گوشها شنیدن کلام اوست و زنا دستها مس کردن او است
و زنا پاها رفتن است بطرف او و چه فرج آنکس مایل باشد و یا نباشد و از مصباح
الشریعه روایت کرده که حضرت صادق فرمود هیچکس غنیمت نکرده مثل غنیمت کردن
کسیکه چشم خود را از نامحرم بپوشد بدرستیکه چشم را از نامحرم نپوشد کسی مگر آن
که بر قلب او مشاهده کردن عظمت و جلال خداوند وارد میشود و از حضرت امیر المؤمنین
سؤال کردند که بکدام چیز بر پوشیدن چشم اعانت میشود فرمود خداوند را
حاضر و ناظر دانستن و چشم جاسوس قلب و قاصد عقلست پس چشم خود را
بپوش از آنچه لایق بدین تو نیست و قلب تو آنرا مکروه میدارد و عقل تو آنرا انکار
میکند و حضرت عیسی بر اصحاب خود فرمود که دور باشید از نظر کردن بر نامحرمان
زیرا که نظر بر ایشان تخم شهوت و علف فسق است و ابن مسعود بکسی گفت که
آنکس بیکنفر زن نظر کرده بود و در مرض آنزن آنکس او را عیادت کرده بود
که اگر چشم تو نابینا میشد خوبتر بود از اینکه این زن را عیادت بکنی تا آخر حدیث

و از امالی

و از امالی مرحوم مفید از محمد بن سنان روایت کرده که حضرت رضا فرمود حضرت عیسی
در اغلب اوقات باصحاب خود میفرمود که دور شوید از نظر کردن بر نامحرمان زیرا
که نظر نمودن باعث شهوت میشود و شهوت نیز سبب فتنه است و از لب لباب
مرحوم راوندی روایت کرده که حضرت رسول الله فرمود هر که بزن نامحرم نظر بکند
خداوند چشم او را از آتش دوزخ پر میکند و از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده
که خداوند بر نظر کننده و بر نظر شده لعنت بکند و از کتاب غرر املای از آنحضرت
روایت کرده که فرمود چشمان دام شیطانست و نظر کردن باعث فتنه است و نابینا
شدن خوبتر است از نظریکه سبب فتنه است و چه بسیار نظر کردن باعث حسرت شده است
و هر که نظر کردن خود را باز دارد قلب او راحت میشود و هر که نظر خود را باز ندارد
باعث مرگ او میشود و هر که نظر را حفظ نماید تاسف او اندک میشود و از تلف
شدن در امن میشود و از کتاب دعائم الاسلام روایت کرده که حضرت رسول الله
نهی کرده زنانرا از نظر کردن بر نامحرمان و در حدیث حولاء آنحضرت فرمود ای
حولاء حلال نیست از برای زن داخل خانه شخص نامحرم شود و چشم خود را از
آن نامحرم پر نماید و آن نامحرم نیز چشم خود را از آن زن پر کند جایز نیست از برای
زن که با نامحرم در یکجا بخورد مگر اینکه آنشخص محرم باشد باو و با وجود محرم بودن
شوهر او حاضر باشد در آنجا الی آخر الحدیث و از جعفریات از حضرت صادق روایت
کرده که روزی حضرت رسول الله بود یکنفر نابینا اذن خواست پس حضرت فاطمه
حجاب پوشید آنحضرت فرمود این مرد نابینا است چرا حجاب پوشیدی عرض کرد
اگر او مرا ندیده باشد من او را می بینم و مرد کور رایحه زن را میداند آنحضرت فرمود
شهادت میکنم که تو پارچه تن منی و این حدیث را از دعایم الاسلام نیز روایت
کرده و ایضاً از دعایم نقل کرده که حضرت پیغمبر یکروز فرمود کدام از برای زن
خوبست حضرت فاطمه عرض کرد اینکه زن نامحرم ندیده باشد و زن نیز نامحرم را نه بیند

حضرت فاطمه در حضور

خصلت

آنحضرت

آنحضرت فرمود راست گفتی تو از من یک پارچه میباشی وایضاً از جعفریات از
حضرت صادق از پدران خودش روایت کرده که حضرت رسول الله فرمود خداوند
قبول نمیکند نماز را از آن دختریکه بعد از بالغه شدن سر اندازو مقنعه نپوشد واز مشکوة
مرحوم طبرسی از حضرت صادق روایت نموده که فرمود زمانیکه شما از اهل یکخانه طلب اذن
داخل شدن کردید باید از پشت درخانه باشد پس اول سلام بکنید و سلام نام خدا است
وشما امر شده اید بطلب اذن در وقت داخل شدن بخانه دیگران از جهة اینکه مبادا
نظر شما بیفتد بر نامحرمان تا آخر حدیث .

قبل از آنکه بخانه نظر کنید

واز امثال این احادیث در کتب اربعه و جوامع اربعه بسیار است واز این احادیث
صحیحه و متواتره وجوب حجاب و لزوم نقاب و حرمت نظر کردن بنامحرم خواه زن
بمرد و خواه مرد بزن بر همه کس واضحست خصوصاً برای کسیکه فی الجمله سواد داشته
واز علم بهره مند بوده باشد اگر از اهل عناد و فساد در بلاد و در بین عباد نبوده باشد
زیرا که دلالت احادیث بحرمت نظر کردن بنامحرم و وجوب مقنعه و جلباب و پوشیدن
زنان جمیع بدن خودشان را از نامحرمان از اوضح واضحاتست و بلکه مفهم این معنا است
که از ضروریات دین اسلامست بطوریکه دلالت در وضوح بر وجوب حجاب و حرمت
نظر زیادتر از این ممکن نیست مانند سایر ضروریات دین از نماز و روزه و
خمس و زکوة و حج و جهاد و حرمت مسکرات و قمار و حرمت زنا و ربا و کذب و افترا
وجور و ظلم بر بندگان خدا است یعنی چنانکه همه اینها از ضروریات دین اسلام است
بصراحت قرآن و حدیث همچنین وجوب حجاب و نقاب و مقنعه و جلباب برای حفظ
نظر از نامحرمان برای نسوان ضروری مذهب است و مناقشه در اینمسئله مثل مناقشه
در وجوب نماز و روزه و مناقشه در حرمت شراب و قمار است در پیش کسانیکه عقل
و انصاف و علم و فهم دارند و از اهل عناد و لجاج نیستند .
واما آنچه در بعض احادیث وارد شده که صورت و دو کف دست و دو پای زن

عورت نیست و نظر کردن بانها عیب ندارد مثل حدیث مروك بن عبید از
بعض اصحاب از حضرت صادق که عرض کردم از برای مرد نامحرم چه حلال است دیدن
آن از زنان آنحضرت فرمود صورت و دو کف و دو قدم انها ودر حدیث زراره
از آنحضرت در آیه اِلّا ما ظَهَرَ مِنها فرمود زینت ظاهر کحل و خاتم است ودر حدیث
ابی بصیر از آنحضرت فرمود خاتم و دستبند است واین سه حدیث در کافیست ودر
قرب الاسناد از مسعده روایت کرده که از آنحضرت سؤال کردند از آنچه زنان ظاهر
میکنند از زینت خودشان فرمود صورت و دو کف ایشانست . پس جواب از اینها
این است که این احادیث در مقام دیدن مرد نامحرمست در وقت خواستگاری
نه همیشه زیرا که در آنوقت مرد خواستگار میتواند صورت و دستهای همان زن را
ببیند و محاسن زن را که عبارت از اینها است دیده باشد چنانکه در کافی از محمد
بن مسلم روایت کرده که سؤال کردم از حضرت باقر از کسیکه اراده میکند نکاح
نمودن زنرا آیا جایز است نظر کردن آنکس باو فرمود بلی زیرا که از زن بازاء ثمن
زیاد میخرد وایضاً در کافی از هشام و حماد و حفص روایت کرده که حضرت صادق
فرمود عیب ندارد نظر کردن بر آن زنیکه اراده عقد کردن او را داری که
نظر بکنی بصورت و دستهای او واز حسن بن سری روایت کرده که بحضرت
صادق گفتم مردیکه اراده تزویج زنیرا دارد آیا بر آن زن تأمل بکند در صورت
او واز پشت سر او نگاه بکند فرمود بلی عیب ندارد اینکه نظر بکند باو از پشت
سرش و بصورتش در وقت اراده تزویج او واز فضل روایت کرده که بآنحضرت
عرض کردم که مردی اراده تزویج بکفو زنرا دارد آیا نظر بکند بموی و صورت
و دستهای او فرمود عیب ندارد اگر بقصد لذت نباشد ودر فقیه و تهذیب
از عبدالله بن سنان روایت نموده اند که بآنحضرت گفتم که شخصی اراده عقد یك
زنرا دارد آیا بموی او نظر بکند یا نه فرمود بلی زیرا که بوجه زیاد میخرد ودر

و در تهذیب از غیاث از آنحضرت از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده در مردی که
ارادهٔ تزویج دارد آیا نظر بکند بر محاسن صورت و دستهای زن یا نه فرمود بلی
و آن زن لباس رقیق میپوشد زیراکه آنمرد خریدار است واگر اقتضاء شود بعد
از نظر کردن عقد میکند ودر علل الشرایع از یونس روایت کرده که بآنحضرت
گفتم شخصی که اراده تزویج زنرا دارد آیا جایز است که باو نظر بکند فرمود بلی
و آنزن لباس رقیق میپوشد و آنمرد باو نظر میکند زیرا او را بر ثمن زیاد
میخرد ومثل اینها است احادیث دیگر در جواز نظر کردن مرد خواستکار
در آنوقت که میخواهد تزویج نماید پس ازین احادیث معلوم میشود که در غیر از
وقت مذکور نظر کردن نامحرم بنامحرم جایز نیست واگر همهٔ اوقات نظر کردن بصورت
ودستهای زن جایز میبود مخصوص کردن جواز بوقت ارادهٔ تزویج لغو
میشد وهمچنین سؤال از اینکه آیا نظر کردن بزنیکه میخواهد تزویجش بکند
جایز است یا نه هم لغو میگردید لاجرم همه احادیثیکه درین موضوع وارد است
ودر کتب معتبره ثبت ودرج گردیده بیهوده وبیفایده میگردد پس واضح شد
که حدیث مروک وزراره وابی بصیر ومسعده که نظر کردن بصورت ودست وقدم
زنرا جایز نموده راجع بوقت ارادهٔ تزویج وخواستکاریست نه بهمهٔ اوقات والّا لازم
آید که امام متناقض حرف زده باشد العیاذ بالله وبنا بآنچه گفته شد در بین کلام
امام تناقض واختلافی ندارد بلکه هر یک نسبت بمحل خود صحیح وگفتهٔ خدا ورسول است
سوء فهم وابتغاء فتنه از جانب پارهٔ از مدعیان علم است که در واقع از علم وخبر
چندان بهره نداشته وبمجرد دیدن حدیث مروک وامثال آن مفتی واقع شده اند
چنانکه عادت غالب جهال عصر نیز این است که بادیدن یک آیه و یا یک حدیث بدون اینکه
از موضوع ومحمول آن اطلاعی داشته باشد در آن مورد از نزد خود حکم میکند
وبلکه علمای حقه را متهم مینماید که چرا حق را کتمان کرده وبموجب این آیه وخبر حکم نکرده اند

عادت

عاقل از اینکه شخص از احکام شرع انور واز اسرار ورموز آیات آن وقتی با اطلاع
میگردد که از همهٔ آیات واز جمیع اخبار باخبر بوده ناسخ ومنسوخ ومحکم ومتشابه
وعام وخاص آیات وحدیث صحیح را از سقیم وصریح را از محمول بر تقیه تشخیص
بدهد نه اینکه بمجرد دیدن یک یا چند حدیث ادعای علم بر احکام نموده وفتوی
بدهد ..

وبسیار جای تعجب است از بعض ارباب تحریر وجریده نکار از اینکه اظهار
رأی میکنند در اینکه حجاب بر زنان واجب نیست ومستندشان پارهٔ مکاتب
اشخاص مجهول الهویه یا عوام کالانعامی در لباس علم وفتوی است سخنان
عاطل وباطل آنها را حرف حسابی ومطلب علمی خیال کرده جراید مرغوب علمی
وادبی واخلاقی خود را ضایع ودر نظر ارباب هوش وخرد وعلم وادب فاسد
ودر زمرهٔ ترویج کنندگان اباطیل وتقویت نمایندگان آراء اراذل واصاغیل میکنند
واهمیت روزنامهٔ خود را در انظار عقلا باطل ودر جزو یاوه سرایان وسخنان
مردمان بیشرف وبیوجدان میکردانند وبدین سبب روزنامهٔ گرانبهای ایشان
در نظر ارباب عفت وناموس از قیمت افتاده ومنفور واقع میشود ..
وتعجب زیاد از بعض معممین عالم نمای غافل وذاهل است که باعتقاد فاسد
خودش بملت ودولت خدمت میکند غافل از اینکه اینخدمت او عین خیانت است
که از روی جهالت میکند وخود را در نظر علمای شرع انور مفتضح ورسوا
میکند وجلباب حیا را که الحیاءُ والایمانُ توأمانِ بر زمین گذاشته ومیخواهد
که نسوان با عصمت مسلمین را تابع رأی کاسد وفاسد خود گرداند بانتیجه
که زنان مسلمانان مانند زنان فرنگیان سرگشاده وبی نقاب وجلباب در
کوچه وبازار رفیق هر بی سروپا گردند خانوادهای نجیب ومحترم عزت واحترام
وعفت وناموس خود را ترک کرده باهرزه کاران بیعصمت وبیحیا در یکطراز مبتلا

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس بهر دستی نباید داد دست پس باید
صاحبان جراید و مجلات بسخنان انعوام درنیقام باور نکنند و کلمات و مهملات
آن خناس وسواس کن را بگوش مردمان نرسانند و جراید پر قیمت خود را
بی قیمت و موهون نفرمایند و خلاف ضروریات و ضد واضحات و منافی متواترات
را در آنها درج ننمایند ·

و علاوه بر آیات سابقه و روایات صحیحه متقدمه چند طایفه از احادیث شریفه بر
وجوب حجاب و حرمت نظر کردن بر نامحرم دلالت دارند طایفه اول از آنها در
کافی بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت رسول الله ص فرموده از برای
زنهای اهل ذمه حرمت نیست و نظر کردن بموی و دستهای آنها عیب ندارد و ایضا
از عباد روایت کرده که آنحضرت فرمود عیب ندارد نظر کردن بر سر زنان اهل ذمه
و اعراب بادیه نشین و کفار عجم از مجوس و غیره زیرا که زنان ایشان قبول نهی نمیکنند
و باز فرمود عیب ندارد نظر نمودن بسر زن دیوانه و بر بدن او در صورتیکه باعمد نباشد
و این حدیث را در فقیه و علل الشرایع روایت کرده و در آنها بجای کفار عجم اهل ذمه را
نقل کرده و در قرب الاسناد از ابی البختری از حضرت ع روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
فرموده عیب ندارد نظر کردن بر سر زنان اهل ذمه تا آخر حدیث و در مستدرک
الوسائل از جعفریات بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت رسول الله ص
فرموده حرمت نیست از برای زنان اهل ذمه و عیب ندارد نظر کردن بر آنها مادامیکه
بجهة لذت نباشد و ایضا بسند صحیح از آنحضرت روایت کرده که فرمود از برای
زنان اهل ذمه حرمت نیست و عیب ندارد نظر کردن بر روی و موی و بر گردن و
بر بدن آنها مادامیکه برای لذت نباشد پس ازین احادیث واضح میشود که
نظر کردن بر زنان مسلمانان هر چند یکه باعمد و بالذت بودن نباشد جایز نیست
زیرا که از برای زنان مؤمنات در دین اسلام حرمت است و اگر نظر نمودن بر زنان

مسلمانان حرام نبوده پس چرا جایز بودن نظر را بر زنان اهل ذمه و بر اهل تهما
که یهودند و بر زن دیوانه مختص میکردند پس این مطلب دلیل واضحست بر
حرمت نظر بر زنان مسلمانان و دلالت ازین واضحتر چه خواهد شد ·

طایفه دویم از احادیث در کافی بسند صحیح خود از وهب از حضرت صادق ع روایت
کرده که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که مردان از خاک زمین خلق شده اند و همت
ایشان بدست آوردن زمین است و زنان از مردان خلق شده اند و همت ایشان
تسخیر مردانست پس حبس کنید زنان خود را در خانهای ایشان ای مردمان با غیرت
و ایضا از حضرت صادق ع روایت کرده که خداوند خلق نمود حوا را از آدم پس همت
زنان در مردانست زنان را در خانها حبس بکنید و ایضا از واسطی از آنحضرت روایت
کرده که خداوند خلق نمود آدم را از آب و خاک پس همت بنی آدم در طلب آب و خاک است
و خلق کرد حوا را از آدم و همت زنان در مردانست پس حبس بکنید زنان را در
خانها و ایضا از ابن ابی جمهور از پدرش روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود همت درندگان شکم آنها است و همت زنان مردانست و در کافی و فقیه از
حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت رسول الله ص فرموده زنان جاهلند و مثل
عورتین میباشند پس عورتین خودتان را بپوشید با بودن آنها در خانها و جهل
ایشان را بپوشید با ساکت شدن در جواب سخن گفتن ایشان و در کافی از
باقر ع و از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع بحضرت امام حسن ع
نوشت در وصایای خود که البته با زنان خودت مشورت نکنی زیرا که رای
آنها ضعیف و قصد آنها سست است و چشم آنها را بپوش بحجاب خودت
و بدرستیکه شدت حجاب برای تو و برای آنها خوبست از ریبه کردن تو در
حق آنها و بیرون شدن آنها از منزل بدتر نیست از داخل شدن کسیکه امین

نیست بمنزلهٔ انها واکر قدرت داشته باشی که زنان تو غیر از تو کسی را نشناسند
پس اینطور بکن وایضًا در کافی از انحضرت روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
بر پسرش امام حسن نوشت که بزن خود اختیار ندهی مکر انچه را که راجع است
بر نفس خودش زیرا که راحتی او در این است و قلب او اسوده میشود
و بر جمال او فایده دارد زیرا که زن ریحانه است نه قهرمانه که متصدی امور
تو باشد و باید کارهای او از خودش تجاوز نکند و بپوش چشم او را با پردهٔ
خودت و نکاهدار او را بحجاب خودت و او را طمعکار نکن که بدیکران در نزد تو
شفاعت بکند پس غلبه میکند شفاعت شدهٔ او باآنزن بر تو و ترا بزحمت وادار
میکند و از برای خودت یك قدرت نکاهدار بر او که او از تو در حذر باشد زیرا
که سست کرفتن تو بر او و هست برای تو و در نظر او موهون میشوی اکر او را
بر خودش بکذاری واکر زنان ترا صاحب قدرت بدانند بآنها خوبتر است
از اینکه ترا بدون قدرت دانسته باشند ودر کافی و فقیه روایت کرده اند که
انحضرت بر پسرش محمد بن حنفیه نوشت مثل انچه ذکر شد با اندك تفاوتی ودر کافی
از سکونی از حضرت صادق روایت کرده که حضرت رسول الله فرموده که زنان را در
غرفها نکذارید و بآنها کتابت یاد ندهید و از برای انها ریسمان و نخ رشتن را
و سورهٔ نور را یاد بدهید ودر فقیه از سکونی از انحضرت روایت نموده که حضرت
پیغمبر فرمود زنان را در غرفها و بالاخانها جای ندهید و برانها خط نوشتن را
تعلیم نکنید و سورهٔ یوسف را بآنها نیاموزید و تعلیم نمائید بآنها سورهٔ نور و رشتن
نخ را ودر کافی از ابن اسباط روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین فرمود یاد ندهید
بر زنان خودتان سورهٔ یوسف را و قرائت نکنید انسوره را بایشان پس در ان
سوره فتنه است برای انها و یاد بدهید بآنها سورهٔ نور را پس بدرستیکه آن
سوره مواعظست بر آنها یعنی ایات حجاب در انسوره است ودر کافی و فقیه

از حضرت صادق روایت کرده اند که حضرت رسول الله فرموده از سوار شدن
زنان بروی زین وایضًا روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین فرمود سوار
نکنید زنان را بر زین که برهیجان میاورد شهوت ایشان را ومثل این احادیث
(۱) نهی
بسیار در نهی کردن از سوار شدن ایشان بر زین و از کذاردن انها در غرفه و بالاخانها
(۲) احادیث
و از بیرون کردن انها از خانها وحبس کردن انها در خانهٔ خودشان وهمه این احادیث
دلیل واضحست بر وجوب حجاب و حرمت نظر کردن بایشان در نظر عقلا و حکما و
فضلاء بدون شك و شبهه از مرد عاقل و شخص کامل مکر اینکه جاهل و غافل
و از اهل بوده باشد زیرا که این نحو تاکیدات و بیانات از جهة چیست که زن باید از
خانه بیرون نشود و در خانه حبس شود و در غرفه ننشیند و بروی زین نه نشیند
(۳) شرع
و سورهٔ یوسف را و عشق بازی زنان مصر را ندانند و کتابت و خط نویسی را یاد نکیرند
وهمهٔ اینها از جهة محفوظ بودن انها است از نامحرم و باوجود اینها ممکن نیست که
بر بیحجابی انها اجازه بدهد و هیچ عاقل و ناصح اینکونه ظن نمیکند و فتوی نمیدهد
مکر کسیکه یا جاهل باشد و خود را عالم فرض کند و یا اینکه کرکی است که در لباس
میش امده و میخواهد که احکام شرع را برهم زند و اخلاق مسلمین را فاسد نماید
و زنان مسلمین را مثل زنان ملل اجنبیه بیحجاب و بیعصمت نماید واینکونه شخص
بلاشبهه از غیرت و حمیت ملیهٔ اسلامیه بی بهره است .

طایفهٔ سیم از احادیث حرمت مصافحه است با زنان نامحرم چنانکه در کافی از سماعه
روایت کرده که از حضرت صادق سؤال کردم از مصافحه کردن مرد با زن فرمود
حلال نیست مکر با آنزنیکه نکاح او بر انمرد حرام باشد مثل مادر و خواهر و دختر و خاله
و عمه و مانند اینها از محارم واما زنیکه حلالست برای مرد نکاح او پس با او مصافحه
نکند مکر از بالای لباس او و دست او را افشار ندهد ودر کافی و فقیه از ابی بصیر
روایت کرده اند که بانحضرت کفتم ایا جایز است مصافحهٔ مرد با زن نامحرم فرمود جایز نیست

مگر از روی لباس ودر کافی وفقیه در احادیث صحیحه روایت کرده اند از
آنحضرت وقتیکه در فتح مکه حضرت رسول الله ص از مردان بیعت گرفت نوبه
بر زنان رسید آنحضرت دست مبارک خود را در طشتی که در او آب بود فرو
برد وبیرون کرد وبآنها فرمود که شما نیز بنوبت دست خود را باین آب فرو برید
واین بیعت شما است ومن دست خود را بدست نامحرم نمیدهم ودست او را مس
نمیکنم ودر فقیه در حدیث مناهی از حضرت صادق روایت کرده که حضرت رسول الله ص
فرمود هر که با زن نامحرم مصافحه کند بغضب خداوند گرفتار خواهد شد وهر که زن
زن نامحرم را در بر گیرد بسته میشود با یک شیطان در زنجیر آتشین وبعد از آن
بآتش دوزخ انداخته میشود ودر عقاب الاعمال روایت کرده که آنحضرت فرمود
هر که با زن نامحرم مصافحه بکند آمرزد در قیامت دست بسته میآید وبعد از آن
او را بدوزخ اندازند وهر که با زن نامحرم بدون حاجت صحبت وگفتگوی بکند
خداوند او را بعوض هر کلمه هزار سال حبس میکند ودر حدیث مناهی روایت
کرده که آنحضرت نهی فرموده از گفتگو کردن زن نامحرم در نزد غیر شوهرش
وغیر محرم خودش زیادتر از پنج کلمه که لابد است از آنها ودر مستدرک از
دعائم الاسلام روایت کرده که حضرت رسول الله ص از جمله چیزهائیکه از زنان
بآن اخذ پیمان کرد در بیعت گرفتن از آنها یکی هم این بود که آنها با مرد نامحرم
صحبت نکنند واز حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده که آنحضرت نهی کرده از
صحبت زنان نامحرم واز حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود صحبت زنان
نامحرم دام شیطانست واز لب لباب راوندی روایت نموده که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود پنج چیز سبب پنج چیز دیگر است تا آنکه فرمود مزاح کردن با زن نامحرم
ودیدن امرد باعث زنا ولواط میشود وآنها نیز سبب دوزخست ودر کتاب
خصال از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت رسول الله ص فرموده که چهار چیز

(۱) حجاب

قلب را میمیراند گناه بر بالای گناه وصحبت زیاد با زنان وگفتگو کردن با احمق و
مجالست کردن با غنی مرفه وازین احادیث وجوب(۱) وحرمت نظر وصحبت با زنان
نامحرم ومصافحه با آنها بر صاحبان فهم ودانش وعفاف وانصاف معلوم میشود
زیرا که حرمت مصافحه ومصاحبه با زن نامحرم از جهة وجوب حجاب وحرام بودن
نظر است براو والا وجه دیگر ندارد چنانکه اینمعنی بر هیچ عاقلی از مرد وزن پوشیده
نیست .

(۲) احادیث وجوب غیرت بر مردان چنانکه

طایفهٔ چهارم(۲) در کافی از ابن عیسی بسند صحیح روایت کرده که حضرت صادق ع فرمود
خداوند معدن غیرتست ومرد غیرتمند را دوست میدارد واز غیرت خداوند است
که جمیع فواحش را حرام کرده چه ظاهری باشد وچه باطنی واز ابن ابی یعفور
روایت کرده که آنحضرت فرمود زمانیکه مرد غیرت نکند بجادم خود پس آمرزد منکوس
القلب است ودر کافی وفقیه ومحاسن بسند صحیح خودشان از حضرت باقر ع روایت
کرده اند که خداوند از برای زنان غیرت قرار نداده واز برای مردان قرار داده برای
که چهار نفر زن را بکیرد حلال کرده واز برای زن بغیر از شوهر دیگری را حلال نکرده
واگر زن طالب غیر شوهر خودش باشد وبغیر شوهرش مایل شود پس او در نزد
خداوند زناکننده محسوبست تا آنکه فرمود حضرت رسول ص فرموده که پدرم حضرت
ابراهیم ع غیور بوده ومن از او غیورترم وخداوند دماغ مرد غیر غیور را بخاک
بمالد وایضا در فقیه روایت کرده که آنحضرت فرمود غیرت مرد از ایمان او است
وفرمود که بوی عطر جنت از پانصد سال راه استشمام میشود واز عاق والدین
ومرد دیوث نیابد عرض کردند یا رسول الله ص دیوث کدام مرد است فرمود
آنمرد است که زن او زنا بکند واو بداند ورضا بدهد ودر خصال از حذاء
از حضرت باقر ع روایت کرده که بخدمت رسول الله ص چند نفر متمرد وباغی آوردند
پس امر کرد که کردن آنها را بزنند مگر یکنفر از آنها وآن یکنفر گفت چرا از من

عفو کردی فرمود جبرئیل بمن خبر داد که در تو پنج خصلت خوبست که انها غیرت
شدیده و سخاوت و حسن خلق و راست گوئی و شجاعت است وزمانیکه ابن مرد
اینهارا شنید مسلمان شد ودر نهج البلاغه که حضرت امیر المؤمنین فرمود غیرت
کردن زن کفر است و غیرت کردن مرد از ایمان اوست ودر مستدرك از حضرت رضا
روایت کرده که حضرت پیغمبر بر هفت نفر لعنت کرده و یکی از آنها ابن مردیست که از زن
خود غافل باشد ودر کافی و محاسن برقی از حضرت صادق روایت کرده اند که حضرت
امیر المؤمنین فرمود ای اهل عراق بمن خبر دادند که زنان شما در راهها با مردان دوش
بدوش میروند ایا حیا نمیکنید ودر روایت برقی است خداوند لعنت بکند بانکسیکه
غیرت ندارد ودر کافی از انحضرت روایت کرده که فرمود ایجماعت ایا حیا ندارید چرا غیرت
نمیکنید که زنان شما بر بازار میروند و با مردان بدوش هم بکرمیخورند واز این
احادیث معلوم شد که باید مرد غیرت داشته باشد و شخص بدون غیرت ایمان ندارد
و شرافت نداشته است و صاحب ایمان و با حیا نیست زیرا ثابت و مسلم شد که ایمان
و حیا بدون غیرت نخواهد شد .
طایفه پنجم ان احادیثیست که دلالت کرده که باید مردان رضای زنرا ملاحظه نکنند در
کفتار و رفتار ایشان چنانکه در کافی از ابن سنان از حضرت صادق روایت کرده
که در نزد حضرت رسول الله ص مذاکره زن شد انحضرت فرمود اطاعت نکنید بر
زنان در کارهای خوب قبل از انکه شمارا امر نمایند بر منکر و پناه ببرید بخداوند از
اشرار زنان ودر حذر باشید از اخیار انها واز ابن مختار از انحضرت روایت کرده
که حضرت امیر المؤمنین فرمود پرهیز بکنید از اشرار زنان واز خوبترینها انها در حذر
باشید و هرگاه شمارا امر بکنند بر کارهای خوب مخالفت نمائید با آنها تا انیکه طمع
نکنند از شما ها منکرات را ودر کافی و نهج البلاغه روایت کرده اند که آنحضرت
فرمود پناه ببرید بخداوند از زنان بد ودر حذر بشوید از خوبان انها و اطاعت

نکنید بانها در معروف تا امر نکنند شمارا بر منکر ودر فقیه و علل الشرایع و امالی
از حضرت صادق روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین فرمود ایجماعت مردمان
اطاعت نکنید بر زنان در هیچ حال و امین ننمائید انهارا بر مال و نگذارید انهارا تدبیر
کننده امورات اهلبیت باشند زیرا که اگر ایشان با خیال واراده خود باشند واگذار
میکنند بر دان مهلکه هارا و ضایع مینمایند امورات صاحب مالرا و بلد رستیکه ما
ایشانرا بدون ورع و بی تقوی یافته ایم در وقت حاجت انها بمال و بدون صبر
دیدیم انهارا در وقت شهوت انها و خودنمائی و تکبر کردن عادت انها است اگرچه پیر
شوند و عجب و خودارائی با آنها است هرچند یکه عاجزه باشند وانها نعمت زیادرا
شکر نمیکنند زمانیکه از نعمت اندك منع بشوند و خیر و خوبیرا فراموش میکنند
و بدیرا در خواطر خودشان نگه میدارند و عادت انها در سخنان بهتان و اغلب در
طغیان و دامهای شیطان میباشند پس مدارا بکنید با آنها در هر حال و خوب
بگوئید مقال انها شاید خوب بکنند افعال خودشانرا ودر کافی و فقیه بسند صحیح
از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده اند که فرمود برکت در مخالفت کردنست با زنان
وایضا فرموده هر مردیکه تدبیر امورات او بازن باشد پس ابن مرد ملعونست
ودر کافی از حضرت صادق روایت کرده که حضرت رسول الله ص فرموده که با زنان
مشورت نمیشود کرد و در قرابت شخص نباید با آنها اطاعت شود وزمانیکه پیر شد
خوبی او میرود و رحم او عقیم و خلق بد و زشت و زبان او تند میشود وزمانیکه
مرد پیر گردید شر او میرود و خیر او باقی میماند و رای او محکم و عقل او کامل و خلق او
خوب میشود ومثل این حدیثست احادیث بسیار ودر فقیه از ابن نباته
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین فرمود در اخر الزمان که بدترین زمانهاست
زنان پیدا میشوند که صورت انها مکشوف از جلباب و مقنعه عاری و با خود ارائی

وزینت افزائی و از دین خارج شونده و بر فتنه‌ها داخل شده کان بسبب این
افعال و مایل شوند کان بر شهوات و سرعت کنند کان بر لذات و حلال داننده کان
محرمات داخل شوند کانند در دوزخ ابدی ودر کافی و فقیه از حضرت صادق
روایت کرده اند که حضرت رسول الله فرموده هر که بر زن خود اطاعت بکند خداوند
او را بدوزخ میبرد گفتند در چه اگر اطاعت نماید بزنش فرمود در رفتن زن
بر حمامها و بر عیدها و بر عروسیها و بر نوحه خوانیها و در خریدن لباسهای رقیق
ودر مستدرک انجد بشرا از جعفریات و صاحب دعایم الأسلام نیز روایت کرده
واز امثال این احادیث بسیار است پس از اینها معلوم شد که اطاعت مردان
بر زنان خودشان حرامست نسبت بانچیز که زنان بآن مایل میشوند از قبیل کشف
حجاب و برداشتن مقنعه و نقاب و بلکه در هر باب از خلاف و صواب ودر جهات
عقاب و ثواب ودر اینها بیان فرمودند که مرد نباید بر زن اطاعت نماید پس هر که
درین زمان باخیال زنان رفتار نماید و بر آنها مطیع شود او نیز مثل زنان و مانند
ایشان بیعصمت و بیناموس و بی‌شرافت و بی‌غیرتست.

در مذمت نظر کردن از عقب سر زنان

طایفه ششم از احادیث در کافی بسند صحیح خود از هشام روایت کرده که حضرت صادق
فرمود کسانیکه از عقب سر زنان بآنها نظر میکنند آیا نمیترسند که مبتلا شوند بمثل انچه ایشان
بر زنان مردمان مینمایند ودر فقیه از ابی بصیر روایت کرده که بآنحضرت گفتم که زنی از نزد
مردی میگذرد پس نظر از عقب او میکند فرمود آیا دوست میدارد یکی از شما که مردمان
بزن او و بر اقرباء او نظر بکنند گفتم هیچکس دوست ندارد فرمود پس راضی شوید برای
مردمان انچه راکه راضی میشوید برای خودتان ودر فقیه از حضرت صادق روایت کرده
که خواطر جمع نمیشوند آنکسانیکه از عقب سر زنان مردمان نظر میکنند از اینکه مردمان نیز
از عقب سر زنان ایشان نظر بکنند ودر کافی از ابی قره روایت کرده که حضرت صادق فرمود
خداوند وحی فرمود بحضرت موسی که زنا نکنید تا اینکه زنان شما زنا نکنند و هر که با زن

کسی زنا بکند با زن او زنا میکنند و چنانچه جزا میدهی جزا داده میشوی ودر
فقیه از ابی المقدام از پدرش از حضرت باقر روایت کرده که خداوند وحی فرمود
بحضرت موسی که هر که زنا بکند با زن او زنا میکنند و هر چند یکه بعد از خودش در
اولاد او بوده باشد و عفت بکنید تا اینکه عفت نمایند اهل شما و اگر اراده داشته باشی
که اهل بیت خودت خوب باشد پس از زنا کردن و چنانکه جزا میدهی جزا داده خواهی
شد ودر کافی از عبد الحمید از حضرت کاظم روایت کرده که حضرت رسول الله فرموده
از آل فلان زن خواستکاری بکنید زیرا که ایشان از زنان مردمان عفت کردند پس
زنان ایشان نیز عفت کردند و زناکار نشدند و از آل فلان زن تزویج نکنید زیرا
که آنها عفت نکردند پس زنان آنها زناکار شدند ودر توریة است که خداوند
فرموده من قاتلان را میکشم و زناکار را از فقیر و محتاج بمردمان میکنم ای مردمان زنا
مکنید پس زنان شما زنا نکنند و چنانکه جزا میدهید جزا داده خواهید شد ودر کافی
و فقیه از زراره از حضرت صادق روایت کرده اند که فرمود خوبی بکنید در حق پدران
خود تا اینکه اولاد شما در حق شما خوبی نمایند و متعرض زنان مردمان نشوید تا اینکه
بزنان شما متعرض نشوند واز این احادیث که زیاد است معلوم میشود که هر که بزن مردمان
نظر بکند بزن او نظر میکنند و هر کس با زن غیر زنا بکند با زن او زنا میکنند و هر که
راضی شود بکشف حجاب زنان پس او راضی شود بر رفع نقاب زن خود و مرد باغیرت
و باحیا هرگز باین راضی نخواهد شد واگر نظر کردن بعقب زنان نامحرم جایز بوده
چرا درین احادیث از برای آن جزا قرار میدادند و هرگاه دیدن زنان دیگران
حلال میشد برای چه بجهة آن مکافات بیان میکردند وزیادتر ازین بیان در حرمت
نظر کردن و متعرض شدن بزنان نامحرمان چه خواهد شد.

در احادیثی که تفاوت زنان را بیان میکند

طایفه هفتم از احادیث بیان فرقست در بین مردان و زنان چنانکه در کتاب خصال
از جابر جعفی روایت کرده که حضرت باقر فرمود که از برای زنان اذان و اقامه و نماز جمعه

وجماعت وعیادت مریض ورفتن درعقب جنازه و بلند گفتن تلبیه در احرام حج
وعمره و هروله در بین صفا و مروه و بوسیدن حجر اسود و داخل شدن بخانهٔ کعبه
و سر تراشیدن نیست و بلکه زنان از موی سر خودشان میزنند و زنان قضاوت و در ریاست
نمیتوانند بکنند و محل شورای نمیشوند و ذبح حیوانات نمیکنند مگر در حال ضرورت
و در وضو ابتدا میکنند بر باطن ذراع خودشان و مرد بظاهر ذراع خودش و مسح
زنان غیر از مسح کردن مرد است و زن مقنعه خود را در وضوی نماز صبح و مغرب بر
میدارد و بر سر خود مسح میکشد و در باقی نمازها انگشت خود را از زیر مقنعه داخل میکند
و سر شرا مسح میکند تا اینکه سر او را نامحرم نبیند و قتیکه زن بنماز برخیزد دو پای خود را
بهمدیگر منضم میکند تا اینکه بسیار خم نشود و در سجده کردن خود را بزمین میچسباند
و در برداشتن سر از سجده مینشیند و بعد از آن قیام میکند و در تشهد زانوی خود را
از زمین بلند میکند و بر ران خود میچسباند و زمانیکه از خداوند حاجت میطلبد
بالای بام میرود و دو رکعت نماز میگذارد و حاجت خود را از خداوند میخواهد و حاجت
او برآورده میشود و در بعض احادیث است که این در شب باشد تا کسی او را سر برهنه
نبیند و برای زن در سفر غسل جمعه نیست و در حضر ترک آن جایز نیست و شهادت
زن در حدود و طلاق و در دیدن ماه مسموع نیست و در آنچه از برای مردان دیدن
آن حرامست شهادت زن مسموعست و از برای زنان جایز نیست که در وسط طریق
راه بروند و بلکه باید از یکی دو طرف آن راه بروند و جایز نیست بودن آنها در غرفها
و یاد گرفتن کتابت و مستحب است بر آنها نخ رشتن و قرائت سورهٔ نور و مکروهست
آنها قرائت سورهٔ یوسف و توبه داده میشود زن مرتده و کشته نمیشود چنانکه مرد کشته
میشود باز نداد و اگر توبه کرد فبها و الا حبس ابدی میشود و بقدر سد رمق باو طعام
میدهند و طعام و لباس او غلیظ میشود و خدمت شدید باو رجوع میکنند و از برای
نماز و روزه او را با زدن الزام میکنند و از برای زن جزیه نیست و در وقت زاییدن زن

و دستهای خود را بوسینهاش میگذارد و در رکوع دستها را بر ران خود میگذارد

باید هر که نزد او باشد از نزد او بیرون شود تا اینکه عورتین او را کسی نبیند و نیز برای
زن حایض و جنب جایز نیست در وقت احتضار کسی در نزد او باشد و همچنین جایز نیست
کسی او را بقبر گذارد مگر کسیکه با او محرم باشد و زمانیکه زن از جاییکه نشسته برخواست
بمرد نامحرم جایز نیست که در جای او نشیند تا اینکه جای زن سرد شود و جهاد زن
خوش رفتاریست با شوهرش و بزرگترین حقوق در ذمهٔ زن حق شوهر است و احق
مردمان بر نماز زن شوهر اوست و جایز نیست بزنان کشف حجاب در نزد زن یهودیه
و نصرانیه زیرا که آنها بشوهران خود از زن و آنان میدهند و جایز نیست بزنان استعمال
عطر و آرایش کردن در وقت بیرون شدن از خانه و هم چنین شبیه نمودن خود بمردان
زیرا که حضرت رسول الله لعن کرده بزنان و مردانیکه بهمدیگر خود را شبیه بکنند
و جایز نیست بزنان که خودشان را بدون زینت و ناخن دستهای خود را بی خضاب بگذارند
و باید در زمان حیض چنانکه گذارند زیرا که برای آنها از شیطان خوف میشود و در وقتیکه
در اثنای نماز با آنها اشاره لازم شود دستها را بهم بزنند بخلاف مرد که با سرش اشاره
میکند و یا با دستش و یا تسبیح را بلند میگوید و جایز نیست بزنان نماز گذاردن بدون
مقنعه و جایز است بزنان لباس ابریشم در غیر نماز و احرام و بر مردان حرامست مگر در جهاد
و جایز است بزنان انگشتر طلا و نماز در آن و بمردان حرام شده و حضرت رسول الله
فرموده یا علی لباس ابریشم و انگشتر طلا را مپوش و اینها لباس تست در جنت
و جایز نیست بزن آزاد نمودن بنده و احسان از مال خود مگر باذن شوهرش و
جایز نیست مصافحه کردن او با نامحرم مگر از بالای لباس و بیعت کردن هم چنین
و حج مستحب مگر باذن شوهرش و جایز نیست بزن داخل شدن بحمام بدون
لنگ و نه سوار شدن بزین مگر در ضرورت و سفر و میراث زن نصف میراث
مرد است و دیهٔ او نصف دیهٔ مرد است و در دیه با مرد برابر است تا اینکه بر ثلث
دیه برسد و قتیکه بر ثلث دیه رسید دیهٔ زن نسبت بدیهٔ مرد نصف میشود و در نماز

نیست

و روزهٔ مستحب مگر باذن زوج خود

در پشت سر مرد میشود و در پهلوی مرد نمیشود و زمانیکه زن مرده باشد نماز گذارد
او در مقابل سر زن و در مرد در مقابل شکم او میاستد و در وقت گذاشتن زن بقبرش
زوج او و یا محرم او از رانهای او اخذ میکند و برای زن شفاعت خوبتر از رضای شوهر او
نیست در نزد خداوند تا آخر حدیث و از امثال اینحدیث بسیار است و در احادیث متواتر است
که از برای زن جایز نیست بیرون شدن از خانه مگر باذن شوهرش و زینت کردن برای
غیر زوج خود حرامست پس ازین احادیث واضح شد که تکلیف زن و طبیعت او غیر از
تکلیف و طبیعت مرد است و بنابراین اگر کسی زنرا با مرد مساوی بداند در رفع نقاب
و کشف حجاب و تردّد کردن در مجالس شیخ و شاب پس آنکس ندانسته و نفهمیده و
خود شرا مثل زن خیال کرده و بر طبیعت و شریعت ضدّ شده و در بین مردان خودرا
رسوا نموده زیرا که مرد فاعلست و زن مفعول و مرد تخم میگذارد و زن میزاید و مرد بر زن سوار
میشود و مرد چیزی میدهد و زن چیزی میگیرد و مرد چیزی دارد و زن چیزی دیگر دارد و بمرد
طمع نمیشود و بر زن طمع میکنند و هکذا از امتیازات زنان از مردان و زیادتی مردان بر زنان
و اگر کسی بگوید که کشف حجاب و بدون نقاب شدن زنان باعث ترقّی است پس این سخن
دروغ محض و محض کذب و افترائست و جز بیحیائی و بی عصمتی ثمری علاحده ندارد
و در نظر ما ترقّی موقوف بر همّت و غیرت مردان و با ناموس و با حیا بودن آنها است و عقلاء
دانایان و علماء فرنگستان از بیحجاب بودن زنان در شکایت بوده ذلّت و رذالت را
در آن دانسته اند در کتاب بانوی اسلام که در بیان او اخر ترجمه و طبع شده بکلمات آنان
ملاحظه فرمایند دلیل ما شیعیان بر وجوب حجاب و حرمت نظر کردن بنامحرم همین آیات
و احادیث متواتره است و اگر کسی از آیات و روایات صحیحه دلیلی بر رفع نقاب و نظر کردن
بنامحرم داشته باشد بیاورد تا ملاحظه شود . تمام شد

این مختصر در ساعت پنجم از روز پنجم از ماه پنجم از سال
آخر از دهه پنجم از صد چهارم از هزار دویم
از هجرت نبوی صلّی الله علیه و آله
و سلّم

بسال ۱۳۴۸ خورشیدی